

خورد پس ابو طلحه بیرون آمد آنچه ام سلمه گفته بود باز گفت رسول
صلی الله علیه و سلم فرمود که باکی نیت ما را بخا زود آری پس رسول صلی
الله علیه و سلم را ابو طلحه بخا زود آمدند و من نیز با ایشان در آمدیم
که ای ام سلمه یا رسول خدا ام سلمه آنرا آورد رسول صلی الله
علیه و سلم گفت مبارک خود را بران قوس نهاد و انگشتها را از یکدیگر جدا
ساخت و فرمود که ای ابو طلحه برو و ده تن را از اصحاب بخوان
ده تن آمدند فرمود که بنشینید و لبم الله بگوید و از میان انگشتان
من بخورید بنشیند و لبم الله گفتند و از میان انگشتان وی می خوردند
تا سیر شدند و گفتند سیر شدیم یا رسول الله فرمود که باز کردید و ابو
طلحه را گفت ده تن دیگر را بخوان پنجاه تن می رفتند و ده تن
می آمدند تا هفتاد و سه تن از آن خوردند پس فرمود که ای ابو طلحه
و ای انس بیایید رسول صلی الله علیه و سلم و ابو طلحه و من نیز بخوریم
چنانکه سیر شدیم بعد از آن قوس را برداشت و فرمود که ای ام سلمه
این را بستان و خود بخور و هر که خواهی بخوان **واذا بخله آنت**
که عبد الرحمن بن ابی بکر رضی الله عنهما گفته است که با رسول صلی الله علیه و سلم
صدوسی تن از اصحاب همراه بودیم گفت که با هیچ یک از شما طعام است
با یکی از اصحاب یک صاع آمد بود خیر کردند بعد از آن مشکی آمد
و با وی کوفندی همراه رسول صلی الله علیه و سلم از وی پرسید که این
فروتنی است یا نه میفرستد گفت فروتنی است آنرا از وی بخورید

پس فرمود که جگر و برابر بران کردند و الله که هیچ کس از آن صدوسی
نماند که رسول صلی الله علیه و سلم از برای وی قطعه نبرد اگر حاضر بود
بوی داد و اگر غایب بود برای وی نهاد و آنرا در دو کاسه کرد سه
بخوردیم و سیر شدیم و در آن دو کاسه چیزی باقی ماند برترت بار کردیم
و برودیم **واذا بخله آنت** که سموره بن جذب رضی الله عنهما گفته
است که یک کاسه طعام پیش رسول صلی الله علیه و سلم آوردند از نابله
تا ظهیر جمع بعد از جمعی خوردند یکی از سهمه رضی الله عنهما پرسید که آن
کاسه را هیچ مددی می رسید سهمه رضی الله عنهما گفت که آنرا هیچ مددی
نمی رسید مگر از آنجا و اشارت با سان کرد **واذا بخله آنت**
که ام ایمن رضی الله عنهما گفته است از روایت پیش رسول صلی الله علیه و سلم
هدیه فرستاد آنرا قبول کرد و اندکی روغن در آنجا گذاشت و نفس
مبارک بر آنجا میدوید دعای برکت کرد پس فرمود که این را بوی
باز دیدم آنرا بوی باز بردند بر روغن ویرا تصور شد که رسول
صلی الله علیه و سلم آنرا قبول نکرده است پیش رسول صلی الله
علیه و سلم آمد فریادگنان و گفت یا رسول الله آن روغن را
نساخه ام بکر برای اگر تو آنرا بخوری رسول صلی الله علیه و سلم فرمود
که ویرا بگوید که روغن آنرا بخورد و دعای برکت کند ام اوس
رضی الله عنهما گفته است که روغن آنرا خوردم در وقت حیات رسول
صلی الله علیه و سلم و در وقت خلافت ابوبکر و عمر و عثمان رضی الله عنهم

انکه در حدیث صحیح
بیخص این حدیث
برستند